

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر محمد کریم فارغی - استراليا
۲۳ دسمبر ۲۰۲۴



داکتر محمد کریم فارغی

[بازنگری به توافقات های بعد از جنگ جهانی دوم]



من هر چند شاگرد خیلی دقیق تاریخ نیستم ولی به یاد می آورم که بعد از دو جنگ جهانی، تقسیمات متعدد در جغرافیای مناطقی چون شرق میانه، آسیای مرکزی و جنوبی و حتی بخش های شرقی اروپا طی معاهدات جداگانه بین رهبران سیاسی کشور های عمده جهان صورت گرفت. معاهده یالتا و کنفرانس تهران از نمونه های آن اند که یکی بعد از جنگ اول جهانی و دیگری در جریان جنگ دوم جهانی منعقد گردید. درین معاهدات رهبران کشور های انگلیس، فرانسه، امریکا، روسیه و تعداد دیگری برای خط اندازی ساحات نفوذی و امنیتی شان مذاکره کردند و فیصله هایشان را در پروتوکول ها گنجانیدند.

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، مفاد این پروتوکول ها رعایت نگردید و الزام برای پیروی از آن منتفی شد. به طور مثال در کنفرانس یالتا یا باسفورس، ساحات جنوبی قلمرو اتحاد شوروی شامل سرحدات شمالی کشور ما می

گردید و ایران قلمرو نفوذی غرب شناخته می‌شد. افغانستان ساحه عایق و غیر متنازع تعیین گردیده بود. این امر باعث گردید که کشور ما مدت چهل سال را پس از حرکات استقلال طلبانه امان الله خان که به نابودی او منجر شد، در صلح و آرامش سپری کند.

سیاست های تحریک امیز و شوونیستی اتحاد جماهیر شوروی به طرف جنوب و اوضاع متشنج آسیای جنوبی از جمله منازعه هند و پاکستان باعث گردید که غرب در صدد گیر دادن اتحاد شوروی در تله افغانستان شوند (تلق خرس). روسها تحریکات سیاسی علیه حکومت شاهی افغانستان را شروع نموده بود و تلاش می کردند تا در همکاری با هندوستان افغانستان را به خاطر ادعای ارضی اش با پاکستان شامل یک درگیری مسلحانه نمایند.

پادشاه در ابتداء با آنها در پرنسیپ موافق شده بود ولی اراده ای برای درگیری با پاکستان نداشت. پادشاه از جدیت موضوع نیز اطلاعی نداشت تا این که هیأت های بلند پایه از اتحاد شوروی (بولگانین) و هندوستان (اندیرا گاندی) همزمان به کابل آمدند و از او طالب پلان و طرز اجرای آن شدند. پادشاه به مدت چهل روز به بهانه تداوی چشم به ایتالیا می رود ولی به مجرد برگشت هیأت هندی در رأس خانم گاندی نزد او می آید. شاه آماده جنگ نیست و هندوستان پس از اطمینان درین مورد، جنگ را با پاکستان آغاز می کند. بنگله دیش ایجاد می گردد ولی اتحاد شوروی و هند دیگر شاه را در افغانستان نمی خواهند. شاه با درک موضوع از داوود پسر کاکا می خواهد برای بقای قدرت خانوادگی شان دست به کار شود. داوود خان طرح کودتا را با شاه شریک می کند و سرانجام موفق می گردد در یک کودتای سفید، قدرت را در دست گیرد. او کوشش می کند رول فعال تری در سیاست خارجی ایفاء کند ولی قادر نمی گردد حمایت غرب را به دست بیاورد زیرا غربی ها پلان دیگری داشتند. آنها می خواستند روسها به افغانستان بیایند.

شنیده بودم که شبی که ارتش سرخ وارد افغانستان شد، به جیمی کارتر اطلاع دادند او با لبخندی اظهار داشته بود که ما مدتها منتظر این فرصت بودیم، حال که خود شان بدانجا رفته اند، خوش آمده اند.

به هرحال شوروی در تله افتاد و ملت ما قربانی شد.

می خواهم خاطر نشان بسازم که در آنزمان ها پلان ها و پروتوکول ها توسط سیاسیون تراز اول در همکاری سازمان های استخباراتی طرح و اجرائی می شد ولی حالا تمام پروتوکول ها، معاهدات و تقسیم بندی ها توسط سازمان های استخباراتی طرح و دیزاین می گردد و توسط سیاسیون توشیح می گردد. عین سازشی که در مورد کشور ما صورت گرفت، در مورد سوریه نیز مورد اجراء در آمد منتها درین موضوع به روسها امتیازی را مدنظر گرفتند و آن خاتمه جنگ اوکراین به گونه ای که آنها می خواهند. در این معاهده که توسط استخبارات کشور های ذی ربط منعقد گردیده، سرنوشت کرد ها نیز به نفع ترکیه معامله شده است. برنده این توافق اسرائیل بزرگ و بازنده آن ملت شام و کرد ها اند.